

موانع تاریخی توسعه بوشهر در دوره پهلوی

حمید اسدیپور، استادیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس

چکیده

بندر بوشهر به‌عنوان یکی از بندرهای مشهور و تاریخی دارای جایگاه مهمی در اقتصاد، سیاست، تاریخ و دریانوردی ایران و خلیج فارس بوده است. بندر بوشهر در طول دوره افشاریه، زندیه، قاجاریه و حتی بخشی از دوران پهلوی اول نه‌تنها بزرگ‌ترین بندر ایران در جنوب کشور بشمار می‌رفت بلکه مهم‌ترین و مشهورترین بندر خلیج فارس نیز محسوب می‌شد به‌طوری‌که حدود بیست کشور خارجی در آن دارای کنسولگری بودند. اقتصاد بوشهر در قرن نوزدهم میلادی بر پایه تجارت و دریانوردی تجاری استوار بود. گسترش تجارت دریایی بوشهر در طول قرن نوزدهم موجبات شکل‌گیری یک جامعه تجاری قدرتمندی را در بوشهر فراهم کرد به‌گونه‌ای که تجار بزرگ و صاحبان سرمایه از سراسر ایران به بوشهر مهاجرت نموده و در آن ساکن گشتند. علیرغم این جایگاه برجسته تاریخی، بوشهر در نیمه دوم قرن بیستم از توسعه بازماند و جایگاه خود را به رقبای خود همچون بندرعباس، اهواز و شیراز واگذار کرد به‌طوری‌که اینک جزو بندرها درجه دوم خلیج فارس بشمار می‌رود. این پژوهش در پی آن است که موانع تاریخی توسعه بوشهر را مورد کاوش قرار دهد و بنابراین پرسش محوری این پژوهش این خواهد بود که موانع تاریخی توسعه بوشهر کدام موانع هستند؟ فرضیه اصلی این مطالعه این است که ضعف و انحطاط جامعه تجاری بوشهر به‌موازات یک سلسله از عوامل دیگر زمینه‌های افول بوشهر را رقم زده است. بدیهی است که سایر عوامل نیز در این پژوهش موردبررسی واقع می‌شوند. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که توسعه بوشهر منوط به برطرف شدن موانع تاریخی هست.

واژگان کلیدی: بوشهر، خلیج فارس، توسعه، بازرگانی، جامعه تجاری، موانع تاریخی.

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۰۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۰۳

E-mail: asadpour @pgu.ac.ir

مقدمه

بندر بوشهر شبه‌جزیره‌ای است که در جنوب غربی ایران و شمال شرقی خلیج فارس جای گرفته و مساحت آن ۹۸۴ کیلومترمربع است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ خورشیدی بیش از ۲۳۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد. (www.amar.org.ir) پیشینه تاریخی بوشهر به عهد تمدن ایلامیان می‌رسد و آثاری از آن دوره در بندر بوشهر به‌دست‌آمده است (کامرون، ۱۳۶۵؛ ۹۷) کهن‌ترین سندی که نشان از وجود خط و کتابت در فلات ایران را به دست می‌دهد در بوشهر به‌دست‌آمده که متعلق به دوره ایلامی‌ها است و سابقه آن به هزاره دوم پیش از میلاد می‌رسد (پزارد، ۱۳۸۴، ۱۲۳). در دوره ایلامی‌ها بندر بوشهر را لیان می‌نامیدند (وٹوقی، ۱۳۸۴، ۱۳۷). در عهد هخامنشیان لیان همچنان نقش بندری و تجاری خود را حفظ کرد و دولت هخامنشی در پس کرانه‌های لیان، شهر تموکن که نام دیگر آن تاوکه است را در محل فعلی برازجان تأسیس کرد. (اسدیور ۱۳۹۵: ۴۴) در دوره ساسانیان نیز بندری نوینباد در شبه‌جزیره بوشهر ساخته شد که تأسیس آن را به اردشیر بابکان نسبت می‌دهند. (مظفری‌زاده، ۱۳۹۵: ۴۳).

بندر بوشهر کنونی بندری جدید و شهری نوینباد است که حدود سیصد سال پیش در عهد نادرشاه افشار تأسیس شد و مدتی هم بندر مبارکه نادریه نامیده شد (لکه‌هارت، ۱۳۵۷، ۱۳۱). قبل از تأسیس بوشهر شهر ریشهر که در جنوب شبه‌جزیره قرار دارد موردتوجه بود. تأسیس بندر بوشهر نتیجه اراده نادرشاه برای ایجاد کانون تجاری و نظامی جدید در خلیج فارس بوده است. (اسدیور ۳۴۴، ۱۳۹۷) بعد از نادرشاه و در عصر کریم‌خان زند بندر بوشهر همچنان به ترقی خود ادامه داد. حکام محلی بوشهر به‌منظور کسب موفقیت در رقابت تجاری با سایر بندرها و مراکز تجاری خلیج فارس، زمینه‌های مساعدی را برای جذب بازرگانان و دریانوردان به وجود آوردند و بدین ترتیب جایگاه بوشهر رفته‌رفته تقویت و مستحکم شد. از لحاظ چهارچوب نظری این مقاله با تکیه بر اهمیت شهر و کارکردهای آن در توسعه به بررسی موانع توسعه بوشهر در دوران معاصر می‌پردازد. نظریه کارکرد شهرها و نقش کارکرد شهری در توسعه ناظر به مباحث این مقاله می‌باشد. به موازات افزایش اهمیت تجاری و دریانوردی تجاری در بوشهر، جایگاه سیاسی و اداری و نیز نظامی بوشهر در دوره قاجاریه ارتقا یافت. بندر بوشهر از عصر زندیه به محل سکونت و حضور نمایندگی کمپانی هند شرقی و سپس نمایندگی مقیم بریتانیا در خلیج فارس و یا همان رزیدنسی Residency تبدیل شد که بعداً به کنسولگری انگلستان تغییر یافت. نمایندگان بریتانیا از ۱۷۶۳ میلادی تا ۱۹۴۶ میلادی در بوشهر حضور داشتند. (برومند، ۴۱، ۱۳۸۱)

هلندیان نیز در سال ۱۷۳۸ میلادی در بوشهر دارای دفتر نمایندگی تجاری بودند اما پس از قتل نادرشاه این دفتر تعطیل شد (اسدیور، ۳۵۱، ۱۳۹۷). بعد از ماجرای هرات و تهاجم بریتانیا به جزیره خارگ و تهدید بوشهر، توجه مقامات قاجاریه به بوشهر خصوصاً و خلیج فارس عموماً افزایش یافت و این موضوع خود به افزایش اهمیت سیاسی و اداری و نیز نظامی بوشهر افزود. در بندر بوشهر علاوه بر بازرگانان ایرانی و مسلمان تجار غیرمسلمان اعم از ارمنی، یهودی، زردشتی و غیره نیز حضور داشتند و به این ترتیب جامعه تجاری خاصی که گفتمان حاکم بر آن مدارا و پذیرش چندگونگی فرهنگی بود، شکل گرفت. (سعادت، ۲۱، ۱۳۹۰). با وجود انتشار کتب و مقاله‌های متعدد درباره تاریخ بوشهر، مطالعه مستقلی تحت این عنوان صورت نگرفته و این نخستین مقاله در این حوزه بشمار می‌رود.

توسعه و مفهوم آن

واژه توسعه همانا ترجمه کلمه Development در زبان انگلیسی است. Develop به معنای ظهور است (طالبان، ۱۸۴، ۲۴) در فرهنگ انگلیسی آکسفورد واژه Development به معنای باز شدن تدریجی و بارز شدن کامل اجزای هر چیزی آمده است (باتامور، ۳۲۵، ۱۳۵۷) با این وجود، تعاریف بسیار متعدد و متنوع برای مفهوم توسعه از سوی صاحب‌نظران بیان شده است. توسعه یک مفهوم علمی و اجتماعی است که مابه‌ازای عینی و تجربی دارد. توسعه تحولی چندبعدی است که البته ابعاد اجتماعی و اقتصادی آن مورد تأکید تمام نظریه‌پردازان این حوزه است. آمارتیاسن، توسعه را فرایند گسترش آزادی واقعی که مردم از آن سود می‌برند می‌داند. (آمارتیاسن، ۱۷۸، ۱۳۸۶) البته وی نیز اذعان دارد که بیان تعریفی از توسعه که مورد قبول همگان باشد، به هیچ‌عنوان موضوع ساده و آسانی نیست و بنابراین در مقدمه کتابش چنین می‌نویسد: این منظر از توسعه یعنی تأکید بر آزادی بشر با دیدگاه‌های تنگی که توسعه را با عناوین و معیارهایی چون رشد تولید ملی، افزایش درآمدهای شخصی، صنعتی شدن، پیشرفت فناوری و یا مدرنیته شدن مشخص می‌کنند در تضاد است. (آمارتیاسن، ۱۱۳، ۱۳۸۳) با تمام این تفاوت‌ها و تعارضاتی که بین صاحب‌نظران وجود دارد می‌توان گفت که هدف توسعه در یک کلام ارتقا کیفیت زندگی است (ملایی، ۲۲، ۱۳۹۵).

بوشهر در عصر قاجاریه به علت شرایط و زمینه‌های موجود از اقتصادی پویا و اجتماعی فعال برخوردار بود اما در دوره پهلوی با بروز موانع این اقتصاد پویا و جامعه فعال دچار رکود و رخوت شد. بوشهر در مقایسه با سایر بندرها و کانون‌های تجاری خلیج فارس در عصر قاجاریه شهری بزرگ و پرجمعیت بود که از امکانات رایج آن روزگار بهره می‌برد. تأسیسات جدیدی شهری، امکانات فرهنگی،

چاپ و انتشار روزنامه و کتاب بخشی از این امکانات بود. ورود و آشنایی مردم بوشهر با مظاهر جدید و مدرن همچون گمرک، پست، بیمارستان، تلگراف و تلفن و حتی فوتبال زمینه‌های ارتقا سطح زندگی و خدمات را در بوشهر افزایش داده بود. به موازات این خدمات و امکانات شهری، فعالیت‌های مدنی، اجتماعی نیز در بوشهر از سطح قابل قبولی در مقایسه با همگنان خود برخوردار بود. جامعه روشنفکری بوشهر، تجار و بازرگانان و حتی علما در عرصه فعالیت‌های مدنی و اجتماعی پیشتاز بودند و مشارکت داشتند. وقف و گسترش آن در این دوره از تاریخ بوشهر بی‌نظیر و بی‌مثال هست. همان اندازه که تجارت و اقتصاد بوشهر در آن دوره گسترش یافت و اوقاف نیز گسترش یافت این در حالی است که بنا به اظهارات مقامات وقف در حال حاضر اوقاف در بوشهر ضعیف و نحیف است و دست‌اندازی و دست‌درازی به اراضی وقفی بشدت افزایش یافته است. (مدیرکل اوقاف بوشهر، هفته وقف، ۱۳۹۷)

جامعه تجاری بوشهر در عصر قاجاریه

بوشهر در آن عصر شهری نسبتاً توسعه‌یافته بود که بزرگ‌ترین معیار توسعه‌یافتگی آن همانا استقرار جامعه‌ای تجاری قدرتمند از یکسو و جایگاه بوشهر در اقتصاد ایران از سوی دیگر بود. این وضعیت باعث افزایش سطح زندگی در بوشهر و ارتقا کیفیت حیات اجتماعی شده بود اما از اواسط قرن بیستم میلادی این وضعیت دچار خدشه شد و با بروز علل و موانع متعدد جایگاه بوشهر در اقتصاد ایران تضعیف شد و بوشهر از امکانات زمانه دور افتاد و به شهری محروم و درجه سوم بدل شد. بر این اساس پرداختن به موانع توسعه بوشهر بدون توجه به زمینه‌ها و تحولات تاریخی امکان‌پذیر نیست و این هدفی است که این پژوهش آن را دنبال می‌کند. دوران طلایی تجارت در بوشهر که توماس ریکس از آن تحت عنوان دوران رنسانس تجاری بوشهر (سعادت، ۳۵۳، ۱۳۹۰) یاد می‌کند در دوران قاجاریه نیز تداوم یافت و البته گسترده‌تر و شکوفاتر شد. در دوران زندیه سنت‌های تجاری در بوشهر تحکیم شد و در دوره قاجاریه این سنت‌ها نهادینه گشت. شکوفایی گفتمان تجاری در بوشهر در دوره قاجاریه چند دلیل داشت. نخست اینکه امنیت که نیاز اولیه یک جامعه بازرگانی است وجود داشت. دوم اینکه انتظارات و ملاحظات یک جامعه تجاری رعایت شده و مورداحترام بود. اتفاقاً یکی از علل سقوط خاندان آل مذکور در بوشهر در سال ۱۸۵۰ میلادی همانا عدم تحقق انتظارات تجار بوشهر و عدم احترام به خواسته‌های تجار بود. دلیل سوم آن است که فرهنگ مدارا و بردباری در بوشهر نهادینه شده بود و این جامعه از وجه تمایز خاصی که همانا چندگونگی فرهنگی است برخوردار بود. یکی از ویژگی‌های ممتاز و برجسته بوشهر در طول دوره قاجاریه همانا تکثیر و گسترش گفتمان تجاری و نهادینه شدن اصول و

رفتارهای یک جامعه تجاری بود. منظور از جامعه تجاری جامعه‌ای است که اقتصادان بر محور بازرگانی آزاد و دریانوردی تجاری استوار بود و بازرگانان و صاحبان سرمایه از ارکان اصلی آن بشمار می‌رفتند. در آن عصر برخلاف روزگار معاصر، تجار بزرگ و درجه اول، صاحبان سرمایه و سرمایه‌داران در بوشهر سکونت داشتن دو ماهیت شهر تحت تأثیر حضور تجار گوناگون و شرکت‌های بازرگانی متعدد ماهیتی تجاری و بازرگانی بود و در این شهر کارکردهای تجاری از ارکان اصلی اقتصاد شهر بشمار می‌رفتند. به عبارت دیگر ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوشهر در آن عصر تحت تأثیر تجارت و تجار قرار داشت. امروزه ساختار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بوشهر تحت تأثیر تجارت قرار ندارد بلکه تحت تأثیر ساختار اداری، سیاسی و نظامی هست. در حال حاضر بخش عمده‌ای از فعالیت‌های بازرگانی در بوشهر را ترخیص‌کاران کالا بر عهده‌دارند. این بدان معنا نیست که تاجری در بوشهر وجود ندارد بلکه بدان معناست که امروزه تعداد تجار بوشهر اندک است و عمدتاً تجار محلی بشمار می‌روند درحالی که در دوران قاجاریه مشهورترین و ثروتمندترین تجار ایران در بوشهر زندگی کرده و خود به بازرگانی می‌پرداختند. این سکونت تجار بزرگ در بوشهر داری ابعاد گوناگونی بود. نخست اینکه گفتمان حاکم بر شهر را یک گفتمان تجاری و اقتصادی می‌نمود. دوم اینکه مشارکت آن‌ها را در امور عمومی شهر افزایش داده و آن‌ها را به یک گروه که دارای مرجعیت اجتماعی بودند تبدیل می‌کرد. سوم اینکه حضور تجار و بازرگانان فراوان در بوشهر سطح زندگی و رفاه و مناسبات شهری را افزایش داده و آن را به شهری متمایز با فرهنگ مدارا تبدیل می‌نمود. این شکوه و ثروت و فرهنگ تکثرگرا در معماری، خانه‌سازی، بناهای عمومی، خوردوخوراک، پوشاک و گذران اوقات فراغت خود را نشان می‌داد. چهارم اینکه حضور خانواده‌ها و بستگان این بازرگانان در بوشهر موجبات فراهم آمدن خدمات و تسهیلات گسترده شهری همچون مدارس و مراکز رفاهی و بهداشتی و ارتباطی می‌شد و دقیقاً به همین دلیل است که بوشهر به‌عنوان دروازه ورود مدرنیته به جنوب ایران شهر اولین‌ها نام‌گرفته است. پنجم اینکه قدرت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی تجار در بوشهر نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در سیر تحولات داشت و اقشار و لایه‌های مختلف اجتماعی از قبیل سیاستمداران، حکام محلی و امرا و علمای دینی شهر همگی تلاش داشتند که جایگاه و منافع تجار در بوشهر رعایت شود. این رعایت و ملاحظه جایگاه و شأن بازرگانان در بوشهر متضمن توسعه و شکوه شهر بود. از سوی دیگر قدرت سیاسی و اجتماعی تجار که ناشی از قدرت اقتصادی آنان بود به حدی بود که می‌توانست جایگاه و منصب امرا و مقامات محلی در بوشهر را به چالش کشیده و موجبات برکناری آن‌ها را فراهم آورد. درواقع یکی از علل اصلی برکناری

خاندان آل مذکور در بوشهر در عصر ناصرالدین‌شاه همانا جلب‌توجه تجار بوشهری بود. (مظفری، ۳۷۲: ۱۳۹۵)

بعد از برکناری آل مذکور در بوشهر حکومت این شهر مدتی به دست حکمرانان و امرایی بود که از تهران و یا حکومت ایالت فارس انتخاب‌شده و اعزام می‌شدند. این حکام دارای منصب دریایی بودند تا آنکه در سال ۱۳۰۳ قمری برابر با ۱۸۸۶ میلادی اداره حکمرانی بندرها خلیج‌فارس تأسیس شد و حکمران بندرها خلیج‌فارس مقیم بوشهر شد. حاکم بوشهر بعدازاین تاریخ حکمران کل بندرها و جزایر خلیج‌فارس بود و قلمرو وی تا بلوچستان و بندر چاه‌بهار ادامه داشت. (نظام مافی، ۱۳۹۱، ۳۰) در بوشهر در آن دوره اداراتی از قبیل کارگزاری امور خارجه، ساخلوی دولتی، گمرک و کنسولگری‌های خارجی مستقر بودند. علاوه بر این‌ها دفاتر نمایندگی شرکت‌های بازرگانی داخلی و خارجی و نیز نمایندگی‌های شرکت‌های کشتیرانی خارجی نیز مستقر بودند (سعادت، ۱۳۹۰: ۲۲). تجار مقیم بوشهر خود به دودسته تقسیم می‌شدند. تجار بوشهر دو قسم‌اند قسمی که عامل دیگران است و حق‌السعی گرفته مال‌التجاره تجار داخله را از گمرک مرخص می‌نماید. قسم دیگر که برای خود تجارت می‌کنند (سعادت، ۱۳۹۰، ۳۶) همین قسم دوم و یا نوع دوم از تجار بودند که ارکان اصلی اقتصاد بوشهر و ستون فقرات جامعه تجاری آن روز بوشهر را تشکیل می‌دادند.

مقایسه‌ای بین میزان صادرات و واردات بندر بوشهر با بندرعباس و بندر خرمشهر در دهه بیست خورشیدی و دهه نود خورشیدی نشان می‌دهد که حتی در بین بندرها ایرانی بندر بوشهر به بندری درجه دوم تبدیل‌شده و این درحالی است که بندر بوشهر در اوایل قرن بیستم نه‌فقط بزرگ‌ترین بندر ایران بلکه یکی از مشهورترین و پرجمعیت‌ترین بندرها خلیج‌فارس بود. امروزه بندرعباس دارای ۶۸۰۰۰۰ نفر جمعیت است درحالی‌که جمعیت بوشهر ۲۳۰۰۰۰ نفر است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵) این آمار به‌تنهایی نشان‌دهنده نقش این دو بندر در اقتصاد دریایی کشور است. در قرن نوزدهم و تا اواسط قرن بیستم میلادی بندر بوشهر بندر اصلی ایران در خلیج‌فارس بود و بعدازآن بندر خرمشهر و بندرلنگه و بندرعباس قرار داشتند ولی در اواخر قرن بیستم بندرعباس به بزرگ‌ترین بندر ایران در جنوب کشور تبدیل شد. بنا به نوشته سدیدالسلطنه کبابی در سال ۱۳۳۰ قمری بوشهر سی هزار نفر جمعیت داشته و بندرعباس شش هزار نفر و بندرلنگه هم حدود ده هزار نفر سکنه داشته است (کبابی، ۱۳۷۱: ۲۳۵) همان‌گونه که اشاره شد جمعیت امروزی این بندرها قابل‌مقایسه نیست. بوشهر در سال ۱۳۳۰ قمری دارای سی هزار نفر جمعیت بود (کبابی، ۱۳۷۱، ۳۷). در سال ۱۳۰۰ خورشیدی جمعیت بوشهر ۲۵۰۰۰ نفر برآورد شده و در سال ۱۳۲۰ خورشیدی جمعیت شهر به حدود ۱۵۰۰۰ نفر کاهش‌یافته بود و روند

مهاجرت بخصوص مهاجرت تجار از آن شدت گرفته بود. (پدیدار، ۱۳۹۳، ۲۵۳) البته در یک دوره کوتاهی در حد فاصله مهر و موم‌های پس از مشروطیت تا وقوع جنگ جهانی اول تجارت در بوشهر تا حدی احیا شد. ولی دوباره بازرگانی دچار رکود شد و مهاجرت بازرگانان از بوشهر بعد از جنگ جهانی اول تشدید شد. در عصر رضاشاه علیرغم برخی سیاست‌ها و اقدامات اداری و اقتصادی بوشهر همچنان دچار رکود شد و تضعیف اقتصاد آن شدت گرفت. نکته مهم درباره اقتصاد و تجارت بوشهر در دوره رضاشاه این است که تفکیک درآمدهای دولت مرکزی ایران از گمرک و بندر بوشهر از درآمدها و وضع معیشت تجار و کسبه بوشهر است. توضیح اینکه بر طبق آمارهای موجود در عصر پهلوی اول تحت تأثیر اقداماتی همچون تصویب و اجرای قانون انحصار تجارت، قانون مبارزه با قاچاق و نیز اصلاح ساختار گمرک، درآمدهای دولت مرکزی در بندر بوشهر افزایش یافت ولی وضع معیشت بازرگانان روی به تنزل گذاشت. البته باید تأکید کرد که این اطلاعات و آمارها یک‌سویه بوده و همراه‌کننده هستند زیرا این آمار تنها درآمدهای دولت را نشان می‌دهند و بیانگر شرایط تجاری و وضعیت بازرگانان بوشهر نمی‌باشد.

سهم بازرگانان بوشهری و بندر بوشهر در صادرات و واردات کالا در این دوره مرتباً در حال کاهش بود. نگاهی به میزان و آمار صادرات و واردات بوشهر در سال ۱۳۰۴ خورشیدی و مقایسه آن با سال ۱۳۲۰ خورشیدی نشان می‌دهد که بوشهر جایگاه اول خود را به نفع خرمشهر از دست داده و به این ترتیب افول اقتصادی بوشهر رقم خورد (نعمتی، ۱۳۹۳، ۱۳۱) افول تجاری بوشهر ناشی از علل متعددی بود که در ادامه بدان‌ها خواهیم پرداخت اما نتیجه فوری آن همانا خروج بازرگانان و صاحبان سرمایه از بوشهر بود. نگاهی به اسامی و تنوع تجار بوشهر در سال ۱۳۰۰ خورشیدی و مقایسه آن با اسامی و تنوع بازرگانان بوشهری در سال ۱۳۲۰ خورشیدی نشان از تغییرات عمده و اساسی می‌دهد. طبق اسناد و گزارش‌های اتاق بازرگانی بوشهر جلد اول که در سال ۱۳۹۳ منتشر شده، تجار بوشهر تحت فشارهای شدید قرار داشته و مرتباً مرتب ناراضیتی خود را از شرایط تجاری بوشهر اعلام کرده و خواهان حل مشکلات و موانع کار خود شده‌اند. بر طبق گزارش‌های متعدد و پیوسته‌ای که توسط اتاق بازرگانی بوشهر در سال‌های گوناگون بخصوص بعد از سال ۱۳۱۰ خورشیدی به تهران ارسال شده، مهاجرت تجار از بوشهر در این مهر و موم‌ها شدت گرفته و اکثر آیت تجار مهاجر بوشهر را به مقصدهایی همچون خوزستان، شیراز، اصفهان، تهران، کویت، بحرین و هند ترک کرده‌اند (پدیدار، ۱۳۹۳، ۱۱۴). با خروج و مهاجرت تجار بزرگ و صاحبان سرمایه از بوشهر که روند آن از جنگ جهانی اول آغاز شده و در دو دهه نخستین قرن جاری خورشیدی شدت یافته بود جامعه تجاری بوشهر رو به ضعف و افول نهاد. اهمیت

جامعه تجاری بوشهر فقط محدود به کارکرد تجاری و اقتصادی آن نبود بلکه این جامعه بانفوذ و تعیین‌کننده در ابعاد گوناگون حیات اجتماعی بوشهر تأثیرگذار بود و تضعیف و اضمحلال آن به تضعیف حیات اجتماعی در این شهر منجر می‌شد.

تجار بوشهر و در رأس آنان تجار برجسته‌ای همچون محمدمهدی ملک‌التجار، معین‌التجار و خاندان‌های مشهوری همچون خاندان‌های ده دشتی، کازرونی، هفته و شیرازی (دشتی، ۱۳۸۰، ۱۶۵) از ارکان اقتصاد و اجتماع بوشهر بشمار می‌رفتند. آن‌ها در امور سیاسی شهر نقش مهمی داشتند. اتحاد و یا اختلاف آن‌ها با حاکم شهر می‌توانست زمینه‌های رشد و یا سقوط حاکم را فراهم کند. در برخی مواقع تجار بوشهر منبع مهمی برای تأمین نیازهای مالی حکومت محلی بوشهر و از جمله نماینده سیاسی و نظامی دولت مرکزی بشمار می‌رفتند. همچنین تجار بوشهر نیازهای مالی مردم و عادی را نیز از طریق وام دادن و قرض دادن و اخذ بهره تأمین می‌کردند. همچنین برخی از تجار دارای چنان نفوذ و قدرتی بودند که می‌توانستند همانند قوه قضاییه به حبس و زندانی کردن افراد مجرم و یا آزاد کردن آن‌ها بپردازند. (موحد، ۱۳۸۴، ۷۲) برخی از تجار بوشهر از چنان شهرت و ثروتی برخوردار بودند که از طرف تجار تهران به‌عنوان نماینده تهران در اولین دوره مجلس شورای ملی انتخاب شدند، معین‌التجار که وی را سلطان اقتصاد جنوب ایران می‌خواندند و در سال ۱۹۰۰ میلادی صاحب یک میلیون تومان ثروت بود (عیسوی، ۱۳۶۹، ۶۴) به‌عنوان نماینده تجار وارد مجلس شورای ملی اول شد (دشتی، ۱۳۸۰، ۱۸۴) برخی از تجار بوشهر سهامدار کارخانه‌های مهم پارچه‌بافی در بریتانیا و منچستر بودند.

تجار بوشهر روابط نزدیک و تعیین‌کننده‌ای هم با علما و روحانیون داشتند. این روابط مستحکم و مستمر در وقایع و رویدادهای مهمی همچون حمایت از حقوق تجار و اعتراض به رفتار مأموران گمرک با تجار و یا در هنگامه دفاع از میهن و مبارزه با اجنبی بسیار نزدیک‌تر و مؤثرتر بود. (فراشبندی، ۱۳۶۵، ۴۴) حوزه دیگری که بازرگانان بوشهری در آن مشارکت داشته و به مسئولیت اجتماعی خود عمل می‌کردند همانا مشارکت در امور عام‌المنفعه و خدمات عمومی بود. به‌طور مثال مشارکت تجار بوشهر در تأسیس مدرسه سعادت مظفری در بوشهر (دشتی، ۱۳۸۷، ۸۷) و یا وقف اراضی و کمک به ساخت مساجد و تکایا و آب‌انبارها و کمک به مستمندان و غیره بود. علاوه بر آن تجار بوشهری مورد اعتماد مردم بودند و مردم اسناد ملکی، سکه‌های طلا و یا اشیاء باقیمت خود را نزد تجار به امانت می‌گذاشتند. جامعه تجاری بوشهر که در تمام حوزه‌های اجتماعی فعال بود در جهت دفاع از حقوق و منافع صنفی خود نیز فعال بود و از ساختارهای ضروری بهره می‌برد. وجود مقاماتی همچون ملک‌التجار و معین‌التجار و معاون‌التجار نشان‌دهنده دو موضوع است نخست به رسمیت شناخته شدن تجار و جامعه تجاری از

سوی قدرت حاکم به‌عنوان یک جامعه مستقل و دارای نفوذ و دوم وجود تشکیلات و سلسله‌مراتب صنفی درونی بین تجار در جهت دفاع از منافع صنفی آن‌ها. ملک‌التجار که در رأس بازرگانان هر شهر قرار داشت وظیفه دفاع از حقوق صنفی تجار و همچنین داوری بین آن‌ها در موقع اختلاف را بر عهده داشت (پولاک، ۱۳۶۸، ۳۹۲). اولین ملک‌التجار بوشهر در دوره قاجار حاجی عبدالمحمد پسر غلامحسین تاجر بود که در سال ۱۲۶۰ قمری به این سمت نائل آمد (دشتی، ۱۳۸۰: ۱۰۲) معین‌التجار بوشهری نمونه بارزی از ترکیب قدرت اقتصادی سیاسی و اجتماعی بود. او در عهد ناصرالدین‌شاه عضو مجلس وکلای تجار شد بعد از انقلاب مشروطیت به‌عنوان نماینده تجار وارد اولین دوره مجلس شورای ملی شد (بحرینی، ۱۳۹۶، ۴۱) او در یکی از فرمان‌های ناصرالدین‌شاه مقرب الخاقان خطاب شده (ترابی فارسانی، ۱۳۸۴، ۹۴) است. در دوره احمدشاه قاجار نیز معین تجار ریاست شورای عالی تجارت ایران را بر عهده داشت که دارای ۱۲ عضو بود. (مستوفی، ۱۳۷۱، ۵۱۴) در بندر بوشهر نیز تجار و بازرگانان دارای تشکیلات صنفی بودند. وجود مقام ملک‌التجار نشان‌دهنده وجود این تشکیلات است. کسبه و اصناف بوشهر هم دارای تشکیلات صنفی بودند (دهقانی، ۱۳۹۶، ۱۴۴) نخستین انجمن تجارت بوشهر در سال ۱۳۲۵ قمری تأسیس شد (پدیدار: ۱۳۹۳، ۱۰) در دسامبر ۱۹۰۸ قمری شرکت‌های انگلیسی مقیم بوشهر نیز اتاق تجارت بریتانیا در بوشهر را تأسیس کردند. در مقابل تجار بوشهر در سال ۱۳۲۷ قمری برابر با ۱۹۰۹ میلادی اتاق تجارت بوشهر را تأسیس کردند. این اتاق فعال بود تا اینکه قانون تشکیل اتاق‌های تجارت در روز پنج‌شنبه دهم مهرماه ۱۳۰۹ خورشیدی در مجلس شورای ملی به تصویب رسید و به دنبال آن در بوشهر نیز مقدمات تأسیس اتاق جدید فراهم شد و انتخابات آن در سال ۱۳۱۰ خورشیدی برگزار شد. اتاق تجارت که بعداً به اتاق بازرگانی تغییر نام داد تا امروز در بوشهر فعال باقی‌مانده و به حیات خود ادامه می‌دهد.

الف: موانع درونی توسعه بوشهر:

پرداختن به مقوله توسعه، علل و زمینه‌های آن همواره یکی از دشوارترین و پرچالش‌ترین مباحث در بین صاحب‌نظران و اهل فن بوده است زیرا هریک از صاحب‌نظران از زاویه خاصی به موضوع نظر افکنده و پیرامون آن به تبیین دیدگاه‌های خود می‌پردازند. در این پژوهش نگاه غالب، نگاه تاریخی به مقوله توسعه در بوشهر و موانع آن است. به همین سبب موانع تاریخی توسعه بوشهر به دو بخش تقسیم‌شده و مراد از این تقسیم‌بندی آن است که مجموع علل و زمینه‌های موجود در درون منطقه و خارج از آن موردبررسی قرار گرفته، تجزیه و تحلیل شوند. در بین مجموعه علل و زمینه‌هایی که در درون

منطقه منجر به عدم توسعه شده می‌توان فهرست بلندبالایی را تهیه کرد اما با عنایت به مجال محدود ما در این مقاله ذیلاً به برخی از مهم‌ترین موانع موجود بر سر راه توسعه بوشهر از منظر درونی می‌پردازیم:

۱- موقعیت جغرافیایی و اقلیمی بوشهر، بوشهر شهری است ساحلی و بندری که از آب و هوایی گرم و مرطوب برخوردار است. شدت رطوبت و گرما به حدی است که تقریباً هشت ماه از سال تداوم دارد و تنها چهار ماه از سال هوا معتدل می‌شود. میزان اندک بارندگی سالیانه و کمبود منابع آبی از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های طبیعی منطقه است. بوشهر از لحاظ محدودیت کشاورزی نیاز به واردات انواع محصولات غذایی و کشاورزی دارد. گرمی هوا رطوبت و شرجی، دوری از مرکز کشور بافاصله‌ای در حدود یک هزار و یکصد کیلومتر و وجود موانع طبیعی همچون کوه‌های زاگرس و سختی راه‌های مواصلاتی همواره بوشهر را جزو مناطقی قرار داده که زندگی و کار در آن سخت و دشوار است. بوشهر فاقد شبکه راه‌آهن است. فقدان شبکه ریلی در بوشهر نتیجه عوامل زیادی و از جمله توسعه نامتوازن کشور و عدم وجود اولویت‌بندی در گسترش خطوط ریلی در ایران است. به هر صورت علیرغم پیشرفت فناوری و گسترش راه‌های ارتباطی در کشور و نیز علیرغم موقعیت استراتژیک بوشهر در ساحل خلیج فارس هنوز این شهر به شبکه راه‌آهن ایران متصل نشده و این عامل نقش سلبی فراوانی در توسعه نیافتگی بوشهر ایفا می‌کند. از سوی دیگر با وجود پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک هنوز بوشهر و سایر بندرها و جزایر ایران در خلیج فارس اسیر شرایط اقلیمی از قبیل گرمای هوا، شرجی و کمبود آب هست در حالی که در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس که شرایط اقلیمی و آب و هوایی به مراتب بدتر از بوشهر است رشد و توسعه همه‌جانبه اتفاق افتاده است.

۲- ضعف نخبگان و دیوان‌سالاران بومی: ریشه‌های تاریخی این پدیده به دوران قاجاریه برمی‌گردد. بعد از برکناری حاکمان محلی بوشهر در سال ۱۸۵۰ میلادی (مظفری: ۱۳۹۵، ۳۵۱) حضور نخبگان بوشهری در ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور دچار یک ضعف تاریخی شده و قادر به ایفای نقش خود در توسعه بومی نشده است. از سوی دیگر دیوان‌سالاران بومی نیز که به هر ترتیبی وارد ساختار اداری و سیاسی کشور بعد از مشروطیت تاکنون شده‌اند از آن‌چنان توان و نفوذی برخوردار نبوده‌اند که قادر به ایفای نقش مؤثری باشند. نخبگان اداری و سیاسی بوشهری در دولت‌های مرکزی ایران در سطوح متوسط و پایین حضور داشته و کمتر به لایه‌های سطح اول قدرت سیاسی و اداری نائل شده‌اند. به عنوان نمونه اگر به تعداد وزرایی که اصالتاً بوشهری بوده و در توانسته‌اند به مقام وزارت برسند نگاهی بیندازیم با فقر آماری روبرو می‌شویم. بجز یک نفر بنام جواد بوشهری که در دولت اول

دکتر محمد مصدق بر مسند وزارت راه بوده ما دیگر وزیر بوشهر سراغ نداریم. (معزی، www.iichs.org.ir) در بین نمایندگان مجلس شورای ملی، مجلس سنا و مجلس شورای اسلامی نیز استان بوشهر و شهر بوشهر دارای نمایندگان شاخص و بانفوذ نبوده است به جز معینالتجار بوشهری، میرزا علی کازرونی، محمدرضا مساوات، علی دشتی و رسول پرویزی از نخبگان سیاسی و اداری و اقتصادی بوشهر کمتر کسی را سراغ داریم که توانسته باشد در لایه‌های قدرت در ایران حاضر شده و قادر به هدایت سرمایه‌ها، بودجه و امکانات در جهت توسعه‌ی بوشهر باشد. عمده شهرت افرادی هم که به نام آن‌ها اشاره شد ناشی از فعالیت‌های اقتصادی ادبی و مطبوعاتی آنان بوده است. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر روشن می‌گردد که بدانیم یکی از مهمترین عوامل برخورداری و یا عدم برخورداری استانهای کشور، برنامه‌ریزی نظام‌مند دولت نبوده بلکه میزان نفوذ استانها و شهرستانها در دولت بواسطه نفوذ و اعتبار نخبگان و دیوانسالاران هر استان و ناحیه بوده است. این موضوع امری نیست که بتوان آن را انکار کرد. اگر برای نمونه، تعداد، میزان و سطح حضور نخبگان و دیوانسالاران مناطق و استانهای مختلف ایران را در دولت‌ها و اعضای کابینه‌های ایران بعد از انقلاب مشروطیت تاکنون بررسی نماییم به روشنی و وضوح متوجه خواهیم شد که سهم استانها و مناطق ایران یکسان نیست. این خود یکی از عوامل وجود عدم‌توازن در توسعه نواحی گوناگون ایران است.

۳- ساختارهای سنتی اقتصاد و معیشت: دو رکن مهم اقتصاد در بوشهر عبارت است از تجارت و صیادی. تجارت و شاخه‌های آن اعم از واردات، صادرات، تجارت داخلی، اصناف، پیلهوری و خرده-فروشی همواره تابعی از اوضاع سیاسی و اجتماعی بوده است. به سخن دیگر؛ هم بازرگانی و هم صیادی در بوشهر از تحول جدی و تعیین‌کننده برخوردار نشده و این دو رکن مهم نتوانسته‌اند، نقش موثری در توسعه شهر و منطقه ایجاد کنند. تجارت و بازرگانی بوشهر بعد از دوره درخشان و طلایی خود دچار افول شد و بوشهر از مقام بندر درجه یک ایران در خلیج فارس به بندر درجه دو تنزل یافته و جایگاه خود را از دست داد. از لحاظ اقتصاد ماهیگیری، صیادی و شیلات علی‌رغم تأسیس و حضور سازمان‌هایی هم‌چون شیلات و بندرها و دریانوردی و ساماندهی این دست از فعالیت‌ها نیز تفاوت چشم‌گیری و معناداری بوجود نیاورده و نقش صنعت شیلات و صیادی در زندگی و اقتصاد محلی بوشهر در همان حد محدود و سنتی باقی ماند. امروزه به جای کشتی‌های بادبانی و ابزار و ادوات سنتی ماهی‌گیری، کشتی‌ها و ادوات و ابزارهای مدرن و مجهز در اختیار ناخدایان و جاشوها و ملوانان قرار دارد اما سهم این بخش از فعالیت‌ها در اقتصاد بوشهر تعیین‌کننده نیست. ملوانان و جاشوها و حتی ناخدایان جز اقشار آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند و از حمایت‌های لازم برخوردار نیستند. عدم سرمایه‌گذاری در این بخش و عدم رغبت

صاحبان سرمایه در جهت توجه به این بخش باعث شده که این عرصه از اقتصاد بوشهر به کارکرد سنتی خود ادامه دهد و از توسعه کافی برخوردار نگردد. در فصل صید میگو توجهات جامعه و از جمله مقامات به موضوع صیادی و دریا جلب می‌گردد ولی این موضوع، امری گذرا و موقت است. انتظار این است که برای تبدیل بوشهر به بندری توسعه یافته، اقشار مرتبط با دریا و صیادی از جمله اقشار برخوردار و مطرح باشند و از حمایت‌های قانونی و اجتماعی گسترده‌ای برخوردار گردند. آن دسته از دریانوردان بومی نیز که روی صیادی نیاورده و به تجارت و دریانوردی تجاری می‌پردازند نیز همانند صیادان از شرایط اقتصادی و اجتماعی مناسبی برخوردار نبوده و آسیب‌پذیر هستند. این دسته هر چند با واردات کالاهای مصرفی از طریق موتور لنج‌ها امرار معاش می‌کنند ولی در رنج و عسرت هستند. همین مسئله یکی از عوامل پنهان ولی بسیار مهم رواج پدیده قاچاق بشمار می‌رود.

۴- قاچاق: ریشه‌های تاریخی قاچاق در کرانه‌ها و پس کرانه‌های خلیج فارس به قرن نوزدهم میلادی برمی‌گردد. البته این بدان معنا نیست که پیش از آن قاچاق وجود نداشته بلکه بدین معناست که سازمان‌یافته و چنین گسترده نبوده است. ظهور قاچاق و گسترش آن، پیش از هر عامل دیگری نتیجه مداخلات، سیاست‌گذاری و برنامه‌های دولت‌ها در امور اقتصادی و سیاسی و نیز اجتماعی است. فقدان برنامه‌های جامع و کاربردی برای اشتغال مردم از یکسو و قوانین و مقررات تجاری، گمرکی و اقتصادی متفاوت از سوی دیگر در کنار سود سرشار برخی از فعالیت‌های مخرب اقتصادی، عملاً به ظهور قاچاق منجر می‌شود. برای نمونه، تصویب و اجرای قانون انحصار تجارت در دولت پهلوی اول هرچند به افزایش درآمدهای دولت مرکزی انجامید ولی زمینه‌های گسترده و مناسبی را برای گسترش قاچاق در بندرها و کرانه‌های خلیج فارس در دهه‌های نخستین قرن جاری خورشیدی فراهم نمود. قوانین گمرکی و تعرفه‌های نامعقول آن همواره یکی از بسترهای مناسب جهت رواج قاچاق بشمار آمده است. اقتصاد مبتنی بر قاچاق که بخش غیررسمی ولی مهمی از اقتصاد بومی را تشکیل می‌دهد، سهم فراوانی را در چرخه مالی محلی برعهده دارد و این خود یکی از موانع ساختاری توسعه بشمار می‌رود. با صرف نظر از اینکه زمینه‌ها و عوامل ایجاد و رواج قاچاق چیستند می‌توان این نکته را بوضوح بیان نمود که قاچاق مانع توسعه بوشهر شده و خود محصول توسعه نیافتگی است.

۵- خروج نخبگان و عدم ماندگاری آنان: این فقره تنها مربوط به شهرستان بوشهر نشده و دامنگیر تمام نقاط استان بوشهر است. بر طبق یک سنت نانوشته ولی موجود، نخبگان و سرآمدان بوشهری اعم از سرآمدان علمی، اداری، سیاسی، اقتصادی و تجاری، اجتماعی و فرهنگی بنا به علل گوناگون از بوشهر مهاجرت می‌نمایند و درصد اندکی تمایل بر ماندگاری دارند. تهران، شیراز، اصفهان و حتی اهواز

و خرمشهر در رأس مراکز و نقاطی هستند که به محل جذب نخبگان بوشهری تبدیل شده‌اند. به این نقاط و مراکز می‌توان خارج کشور را نیز اضافه نمود. علل گوناگونی برای مهاجرت نخبگان بوشهری و عدم جذب آنان قابل طرح و مطالعه است که از آن میان می‌توان به فقدان شرایط و زمینه‌های استاندارد زندگی شهری و کمبود خدمات و امکانات مدرن شهری همچون مراکز آموزشی و بهداشتی مدرن اشاره نمود. برطبق برآوردها روزانه بیش از دویست نفر بوشهری از سراسر استان برای دریافت خدمات پزشکی به شیراز مراجعه می‌کنند. شهر بوشهر دارای شش بیمارستان است که پنج بیمارستان آن متعلق به سازمانها و دستگاههای دولتی و نظامی است و تنها یک بیمارستان در اختیار عموم قرار دارد که آنهم بیمارستان جامعی نیست. شرایط نامساعد آب و هوایی، راههای مواصلاتی نامناسب، فقدان نظام آموزش و پرورش کارآمد، فقدان مدارس مناسب و نیز فقدان مراکز رفاهی و تفریحی لازم و امکانات اندک شهری از جمله زمینه‌هایی هستند که باعث می‌شوند نخبگان بوشهری تصمیم به مهاجرت بگیرند. برای نمونه می‌توان به این نکته اشاره کرد که آموزش و پرورش استان بوشهر در بین استانهای کشور از حیث کیفیت آموزش و امکانات جزو سازمانهای پیشرو و برخوردار نیست و این موضوع و پیامدهای آن نقش مهمی در جذب و یا عدم جذب نخبگان بومی دارد.

۶- زوال و افول جامعه تجاری بوشهر: همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد، جامعه تجاری بوشهر در عهد طلایی خود یکی از قدرتمندترین و موثرترین جوامع تجاری ایران و خلیج فارس بشمار می‌رفت. این جامعه نخبه و قدرتمند، اساسی‌ترین مؤلفه هویت شهری و اجتماعی و فرهنگی بوشهر را تشکیل می‌دادند. این گروه اجتماعی بوشهر را در دوران طلایی خویش به مرکزی فعال، پرجمعیت و جذاب تبدیل کرده بودند. با بروز و ظهور شورش‌ها و آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی پس از انقلاب مشروطیت از یکسو و وقوع جنگ جهانی اول و پیامدهای ناگوار آن برای ایران و ایرانیان ازسوی دیگر تا ظهور رضاشاه و سیاستهای اقتصادی و اجتماعی وی و عطف توجه به خوزستان و بخصوص احداث راه آهن سراسری و اتصال آن به خوزستان، زمینه‌های مهاجرت تجار از بوشهر و افول تدریجی آن فراهم شد. دشواری‌های تجارت در بوشهر در دوره پهلوی اول و فقدان امکانات از سویی و فراهم آمدن تسهیلات در بندرها و مراکز رقیب و امنیت موجود در آنجا از دیگر سو زمینه‌های خروج تجار از بوشهر و تضعیف جامعه تجاری بوشهر را رقم زد. گزارش‌های متعدد و مکرر اتاق بازرگانی بوشهر از حوالی سال ۱۳۱۲ خورشیدی تا ۱۳۲۲ خورشیدی و حتی بعدازآن نشان می‌دهند که تجار بوشهری از سخت و دشوارشدن شرایط تجارت به علل گوناگون همچون ناامنی راه‌ها، سختی خطوط مواصلاتی و فقدان وسایل حمل و نقل بار و مسافر، اجحافات مالی و اداری، تعرفه‌های سنگین گمرکی، عدم حمایت از بازرگانان و فقدان

امکانات بهداشتی و رفاهی بسیار ناراضی بوده و شکایت داشته‌اند در طی همان سالهای فوق‌الذکر برطبق همان اسناد و گزارش‌ها بندرها خوزستان و مخصوصاً خرمشهر دارای شرایط مناسب و تسهیلات کافی برای تجارت بود و همین موضوع باعث مهاجرت تجار به ناحیه و بازماندن بوشهر از قافله توسعه شد. در اسناد اتاق بازرگانی بوشهر شکایات متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد تجاربوشهری به مقایسه شرایط و امکانات تجارت در خرمشهر و بوشهر دست زده و از تبعیض‌های موجود و عدم توجه به بندر بوشهر در آن سال‌ها بشدت انتقاد می‌کردند. همه عواملی که از سوی اتاق بازرگانی بوشهر در آن سالها بعنوان موانع موجود بر سرراه کسب و کار تجار بوشهری بیان شده نه تنها دقیق و صحیح بودند بلکه به موانعی پایدار در راه توسعه بوشهر مبدل گشتند. این عوامل نه فقط مانع رشد تجارت و ارتقا جایگاه تجاری بوشهر شدند بلکه موجبات زوال و افول جامعه تجاری بوشهر شدند، جامعه‌ای که طی دو قرن رشد کرده و به هویت بوشهر تبدیل شده بود. هویت تاریخی بوشهر در دوران طلایی و درخشان حیات خود، هویتی برخاسته از بازرگانی و تجارت و دریانوردی بود و اینک با خروج تجار از آن و انحطاط جامعه تجاری، تار و پود و تبار این هویت نیز از هم گسسته می‌شد. این گسست به معنی بحران در هویت شهر بود. بدون تردید باید اذعان نمود که تضعیف و افول جامعه تجاری بوشهر یکی از مهمترین علل توسعه نیافتگی بوشهر در قرن جاری است و هر دستگاه و هر فردی که در فکرتوسعه و پیشرفت بوشهر است باید به این عنصر هویتی و کلیدی در توسعه بوشهر عطف توجه نموده و به احیای تجارت و جامعه تجاری بوشهر همت گمارد. به عبارت بهتر اگر در بوشهر زمانی تجار برجسته و مشهوری همچون معین‌التجار بوشهری حضور داشتند این نتیجه رونق تجارت و قدرتمند بودن جامعه تجاری بوشهر در آن عهد بوده است و اگر انتظار دارید دوباره تجار و بازرگانانی همچون معین‌التجار در بوشهر ظهور کنند تنها راه چاره احیای تجارت و احیای جامعه تجاری بوشهر است و این مهم میسر نمی‌شود مگر آنکه موانع برطرف شوند.

۷- اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی: استان بوشهر و در پی آن کرسی استان یعنی بندر بوشهر از عصر مشروطیت و به‌ویژه از کودتای محمدعلی شاه علیه آزادی‌خواهان و بازگشت استبداد تا اصلاحات ارضی شاهد یک سلسله تحولات گسترده سیاسی و اجتماعی بود که نتیجه آن‌ها بر هم خوردن نظم سیاسی و اجتماعی منطقه و بخصوص شهر بوشهر بود. این ناملایمات سیاسی و اجتماعی را می‌توان از زوایای گوناگون موردبررسی قرارداد. صدالبته که بخش مهمی از این وضعیت دارای ارزش-های انسانی و اخلاقی بوده و ابعاد حماسی دارد اما پیامدهای اقتصادی و اجتماعی این تحولات و نابسامانی‌ها نیز آن‌طور که بایدوشاید دیده نشده است. در ماجرای استبداد صغیر و قیام آزادی‌خواهان

علیه محمدعلی شاه، مشروطه‌خواهان بوشهری کنترل بوشهر را به دست گرفتند و گمرک به دست مشروطه خواهان افتاد (مشایخی، ۱۳۸۷: ۱۴۲) یکی از نتایج این امر رکود اقتصادی بوشهر بود. اوضاع تجارت و معیشت در بوشهر دچار کساد شد. این امر و افراط و تفریط برخی از وابستگان به ملیون و مشروطه خواهان باعث بروز نارضایتی‌های گسترده شد. غارت گمرک بوشهر و وحشت مردم شهر از جمله جملات و کلماتی است که در لابه‌لای اسناد و گزارش‌ها پیرامون این واقعه بیان شده است. بعد از آن جنگ جهانی اول رخ داد و استان بوشهر و مخصوصاً بوشهر و دشتستان و تنگستان به‌طور مستقیم تحت تأثیر تحولات سیاسی و نظامی ناشی از حضور قوای بریتانیایی و اشغال کشور به دست آن‌ها قرار گرفتند. قحطی و گرسنگی و مهاجرت نصیب بسیاری از مردم شد و رکود تجاری و اقتصادی هم نصیب تجار و اصناف گردید. راه‌ها ناامن شد و کشمکش‌های بین خوانین منطقه نیز که به‌طور سنتی وظیفه کنترل و مراقبت از راه‌ها را داشتند منجر به گسترش بحران شده بود. یکی از وجوه ناگفته تحولات و ناملایمات سیاسی در منطقه بوشهر در دوره زمانی فوق‌الذکر همانا آسیب‌هایی است که به تجارت و تجار بوشهر وارد شده و به تضعیف این گروه اجتماعی قدرتمند در بوشهر منجر شده است. به عبارت بهتر به علت بروز جنگ جهانی اول و اشغال بوشهر به دست اجنبی قیام‌های متعددی در واکنش به این موضوع رخ داد اما به موازات این تحولات، اقتصاد و تجارت بوشهر نیز آسیب فراوان دید. یکی از نتایج فوری این قضایا مختل شدن تجارت رسمی از یکسو و گسترش قاچاق از سوی دیگر بود. تجار بوشهر در این شرایط دچار سردرگمی و سرگردانی بودند. بسیاری از آنان مهاجرت را انتخاب کرده و از ناحیه خارج شدند.

بعد از اتمام جنگ جهانی اول و نیز پس از برکناری سلسله قاجاریه و ظهور پهلوی، اوضاع سیاسی تا حدی آرام شد ولی در بخش‌هایی از استان مخالفت‌های سیاسی و مقاومت‌های نظامی از سوی سران قبایل و طوایف مشاهده می‌شد. باین‌وجود اوضاع سیاسی بسامان شده بود و اقتصاد و بازرگانی بوشهر از سر گرفته شده بود اما به علت تضعیف جامعه تجاری بوشهر و خروج بخشی از تجار معروف از بوشهر شرایط تجاری به حالت پیشین برنگشت. نتایج تحولات سیاسی و اقتصادی و نظامی در بوشهر که طی سال‌های ۱۲۸۷ خورشیدی تا ۱۳۰۷ خورشیدی رخ داد را می‌توان در عرصه عمومی شهر مشاهده کرد. کاهش جمعیت شهر از نتایج این تحولات بود. هرچند آمار رسمی از جمعیت بوشهر در آغاز سلطنت پهلوی موجود نیست ولی برابر گزارش‌ها، در سال ۱۳۱۶، بوشهر فقط ۱۶۰۰۰ نفر جمعیت داشته درحالی‌که جمعیت شهر در سال ۱۳۳۲ قمری یعنی یک‌سال قبل از آغاز جنگ جهانی اول ۳۰۰۰۰ نفر بوده است.

بروز جنگ جهانی، ناامنی، کمبود ارزاق، گرانی و بیکاری، رکود اقتصادی و فقدان مایحتاج عمومی از جمله عواملی است که باعث مهاجرت مردم از بوشهر می‌شدند. (پدیدار: ۱۰) جنگ جهانی دوم و آغاز و پایان آن نیز بر اجتماع و اقتصاد بوشهر اثرات منفی نهاد و به اقتصاد و جامعه تجاری بوشهر آسیب‌های فراوان وارد نمود. جمعیت بوشهر بر اثر بروز جنگ جهانی دوم مجدداً کاهش یافت. بسیاری از تجار و مردم مهاجرت کردند. ارزاق عمومی و بخصوص نانو آرد کمیاب شدند و قحطی و بحران نان ظهور کرد. مردم فرودست و تنگدست دچار لطامات فراوان و رنج بسیار شدند (همان). آمارها و اسناد اتاق بازرگانی بوشهر در طی سال‌های ۱۳۲۰ الی ۱۳۲۵ خورشیدی نشان‌دهنده کاهش واردات و صادرات از بوشهر است. کاهش واردات و صادرات کالا در این سال‌ها در بندر بوشهر در کنار فقر و قحطی گسترده، بحران نان و ناامنی راه‌ها، یعنی رکود تجارت و محروم شدن بوشهر از اصلی‌ترین شریان اقتصادی و معیشتی خود. ماجرا بدین جا ختم نشد و ضربه دیگری بر اقتصاد و تجارت بوشهر و جامعه تجاری آن در جریان نهضت جنوب در سال ۱۳۲۵ خورشیدی وارد آمد. از نتایج دیدار خوانین و بسیاری از کدخداها با ناصرخان قشقایی، حمله خوانین جنوب به بوشهر بود. طی چند روز پادگانه‌ای نظامی و پاسگاه‌های ژاندارمری و سایر ادارات اشغال شدند و گمرک بوشهر توسط خوانین غارت شد. با غارت ادارات و گمرک بوشهر محموله بزرگ قند و شک و پول فراوان به دست خوانین افتاد. (کرم پور، ۱۳۹۳، ۵۰) نتیجه فوری این قضایا رکود تجارت در بوشهر و نتیجه درازمدت آن تضعیف جامعه تجاری بوشهر با خروج تعداد بیشتری از بازرگانان بوشهری بود. در این دفعه نیز برخی از تجار بوشهری به خوزستان، اصفهان، تهران، کویت و بصره مهاجرت کردند و نکته جالب کاهش تجار غیرمسلمان در بوشهر بود. درحالی‌که در سال‌های آغازین قرن چهاردهم خورشیدی در بین تجار بوشهر بازرگانان غیرمسلمان حضور داشتند و اسامی تجار ارمنی (هاشم‌پور، ۱۳۹۵، ۱۸۱) و یهودی در بین اسامی بازرگانان بوشهری دیده می‌شد ولی سی سال بعد یعنی در دهه سی خورشیدی دیگر نام و نشانی از آن‌ها وجود نداشت و این به معنای کوچ و مهاجرت آنان از بوشهر بود.

۸- مهاجرت و پیامدهای آن: پدیده مهاجرت در پیوند با فرایند توسعه در بوشهر را باید از دو زاویه مورد مطالعه و بررسی قرارداد. نخست مهاجرت از بوشهر و دوم مهاجرت به بوشهر. به سخن دیگر مهاجرت یکی از عوامل درونی مؤثر در توسعه نیافتگی بوشهر بشمار می‌آید. عملکرد این پدیده در توسعه نیافتگی بوشهر دارای دو وجه است. نخست مهاجرت نخبگان بخصوص نخبگان اقتصادی از بوشهر و مهاجرت اقشار و لایه‌های جدید اجتماعی که از طبقه متوسط تا حاشیه‌نشینان شهری در آن حضور داشتند. قضیه مهاجرت در بوشهر از ابتدای تأسیس این شهر در دوران افشاریه قابل‌ردیابی و

مطالعه است و اصولاً بوشهر شهری مهاجرپذیر است ولی سنخ مهاجرین و ویژگی‌های جامعه‌شناختی آنان همانند نیست. درحالی‌که تجار و بازرگانان در عصر زندیه و قاجار از شیراز و کازرون و بهبهان و ده دشت به بوشهر مهاجرت می‌کردند به‌طور مثال تجار ده‌دستی نقش مهمی در شکل‌گیری اقتصاد تجاری بوشهر داشتند و صاحب مؤسسات و شرکت‌های تجاری مهمی بودند. در دوره پهلوی دوم کارکنان بخش‌های اداری، سیاسی و نظامی دولت وارد بوشهر می‌شدند و یا بعد از آغاز جنگ عراق علیه ایران در سال ۱۳۵۹ خورشیدی مهاجران و آوارگان جنگی به بوشهر مهاجرت کردند؛ بنابراین تفکیک مهاجرت و مهاجران از بوشهر در سه دهه اول قرن چهاردهم خورشیدی و مهاجرت به آن در دهه‌های میانی و پایانی قرن چهاردهم خورشیدی امری ضروری بشمار می‌رود زیرا این دو نوع مهاجرت نقش و تأثیر تعیین‌کننده‌ای در هویت و کارکرد شهر از خود بجای نهاده است. در قضیه مهاجرت از بوشهر در دهه‌های نخست قرن جاری خورشیدی ما شاهد کوچ و مهاجرت تجار و صاحبان سرمایه و نخبگان اقشار دیگر از بوشهر هستیم. تجار و سرمایه‌داران بوشهری همان افرادی بودند که در شکل‌گیری و تداوم جامعه تجاری شهر و شکل یابی هویت تجاری این بندر نقش اساسی ایفا می‌کردند و اینک با خروج آنان جامعه تجاری شهر روبه‌زوال و تضعیف نهاده بود. با آغاز روند مهاجرت تجار از بوشهر از اهمیت بوشهر کاسته شد و رفته‌رفته جایگاه این بندر در تجارت ایران دچار خدشه شد. خروج نخبگان از بوشهر محدود به تجار نگردید و به دنبال آنان بسیاری از نخبگان دینی و مذهبی، اجتماعی و روشنفکران و نخبگان علمی و خاندان‌های معروف نیز از بوشهر رخت بر بستند و رفتند.

مهاجرت اقشار جدید همچون کارکنان دولت و طبقه متوسط به بوشهر نیز از سال‌های پایانی دهه سی خورشیدی آغاز شد و در دهه چهل تداوم یافته و در دهه پنجاه تسریع شد و بعد از انقلاب اسلامی به اوج خود رسید. بوشهر در سال ۱۳۵۵ دارای ۶۵۰۰۰ نفر جمعیت بود درحالی‌که در سال ۱۳۹۵ این آمار به بیش از ۲۳۰۰۰۰ نفر رسید. مهاجرانی که در این دوران به بوشهر وارد شدند شامل طیف گسترده‌ای از اقشار و لایه‌های گوناگون اجتماعی بودند. عمده این مهاجران در دودسته قابل‌تفکیک بودند: الف مستخدمان دولتی با مرتبه‌های متفاوت و ب: سایرین که از مشاغل آزاد و فنی و خدماتی تا حاشیه‌نشینان را شامل می‌شد. می‌توان گفت که تا سال ۱۳۴۸ خورشیدی مهاجرت گسترده این اقشار جدید صورت نگرفت. در دهه پنجاه خورشیدی به علت اتخاذ سیاست‌های جدیدی از سوی دولت مرکزی و انجام اقداماتی مهاجرت به بوشهر شدت وحدت یافت. این شدت و حدت نتیجه خیزش چند موج مهاجرت بود، موج اول کسب‌وکار موج دوم تأسیس پایگاه هوایی موج سوم حضور شرکت‌های ساختمانی و موج چهارم تأسیس نیروگاه اتمی. البته پایگاه هوایی ششم شکاری بوشهر نیز در سال

۱۳۴۹ خورشیدی فعالیت خود را آغاز نموده بود (اسلام دوست، ۱۳۹۴، ۷۸). با وجود این سرمایه‌گذاری‌ها و مهاجرت‌های گسترده کارکنان دولتی و نیز کارگران و نیروهای خدماتی به بوشهر، اقدامات عمرانی و شهری مناسبی در سطح شهر صورت نگرفته بود. به موازات افزایش جمعیت شهر و تعداد مهاجرین، پدیده‌ای بنام حاشیه‌نشینی و کپرنشینی هم در بوشهر ظهور یافته و رشد نمود. کپرنشینی و حاشیه‌نشینی در دهه پنجاه خورشیدی در بوشهر به شکل واضحی نمایان بود. با حضور مهاجران جدید و گسترش آنان سیما و هویت شهر بوشهر رو به دگرگونی نهاد و اندک‌اندک از قالب یک شهر بندری و تجاری به سوی قالب یک شهر اداری، سیاسی و نظامی سوق یافت بخصوص اینکه در سال ۱۳۵۲ خورشیدی بوشهر به مرکزیت استان نوبنیاد بوشهر نیز برگزیده شد و استانداری در آن مستقر شد. (کنین، ۱۳۸۸، ۱۲) به این ترتیب بندر بوشهر به عنوان مرکز استان به کانون جذب کارکنان دولت و سازمان‌های وابسته تبدیل شد و این روند رو به سرعت نهاد به گونه‌ای که در دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد و حتی نود خورشیدی شهر بوشهر از لحاظ جغرافیایی و فیزیکی بسیار گسترده شد به طرزى که اراضی و زمین‌های خالی از سکنه در آن دیگر یافت نمی‌شد و سرریز جمعیتی به شهرهای اقماری مثل چغادک و بخصوص شهر تازه تأسیس عالی شهر هدایت شدند. شهرنشینی در بوشهر طی دهه‌های اخیر افزایش یافت و حتی نواحی پراکنده روستایی را به هم پیوند داد به گونه‌ای که چهار محل شمالی شهر قدیمی بوشهر به چهار محل حاشیه‌ای و روستایی قدیم گره خورد و شهر بوشهر شکل تازه به خود گرفت، با این حال بوشهر بزرگ و پرجمعیت جدید نتوانست جایگاه سنتی خود را در تجارت و دریانوردی تجاری ایران و خلیج فارس به دست آورد و جامعه تجاری آن نتوانست دوباره شکوفا گردد.

۹- ضعف سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در بوشهر، با وجود آنکه در طی دهه پنجاه خورشیدی دولت پهلوی در بوشهر بنا به ملاحظات سیاسی، امنیتی و اقتصادی اقدام به تأسیس پایگاه‌های هوایی و دریایی و نیروگاه اتمی نمود و استانداری و ادارات کل در این شهر مستقر شده و شهر از توسعه فیزیکی برون‌زا برخوردار شد اما سرمایه‌گذاری‌های جدی و بنیادین در حوزه اقتصاد و صنعت در آن انجام نشد. به جز شرکت صنعتی کشتی‌سازی صدرا و کارخانه پارچه‌بافی اعتمادیه، مراکز صنعتی قابل توجهی در بوشهر تأسیس نشدند. امروزه نیز علیرغم آنکه بوشهر در حوزه شاخص‌های عمومی نظیر میزان باسوادی، میزان دسترسی به حداقل فضاهای آموزشی، خدماتی و بهداشتی تفاوت معناداری با میزان متوسط ملی ندارد اما از لحاظ شاخص‌های اقتصادی در بدترین وضعیت قرار دارد. علت این امر را می‌توان در ضعف سرمایه‌گذاری انسانی و عدم شکل‌گیربان به دلایل متعدد و از جمله سطح پایین سنتی بودن فعالیت‌های اقتصادی و وضعیت امکانات رفاهی و عمرانی دانست. (قدیری و دیگران،

۱۳۹۳، ۶۶) یک تحقیق دیگر نشان می‌دهد که حتی در سال‌های اخیر نیز توسعه پایدار در سرلوحه سیستم مدیریتی شهر بوشهر قرار نداشته است (سرابی و دیگران، ۱۳۸۹، ۵۷). از نظر شاخص‌های توسعه صنعتی و اقتصادی با صرف‌نظر از صنایع دولتی نفت و گاز، بندر بوشهر را باید جزو شهرهای کمتر توسعه‌یافته قلمداد کرد. صنایع و نیروی انسانی شاغل در این بخش درصد کمتری را در مقایسه با سایر بخش‌های فعال اقتصادی به خود اختصاص می‌دهد. باوجود شهرک‌های صنعتی و نیز منطقه ویژه اقتصادی (اتحاد خبر ۲۴/۴/۱۳۹۸)، تاکنون بخش صنعت نقش پررنگی در اقتصاد شهری بوشهر ایفا نکرده است. بخش کشاورزی نیز نقش مؤثری در اقتصاد بوشهر ندارد. از حدود ۲۲ درصد شاغلین بخش کشاورزی در بوشهر حدود ۲۰ درصد آن به شکل صیادی و خدمات وابسته انجام می‌شود که آن‌ها غالباً به شکل سنتی اداره می‌گردد و لذا می‌توان گفت ر حوزه کشاورزی نیز سرمایه‌گذاری مؤثری در بوشهر صورت نگرفته و این ادعا با ملاحظه سهم اندک شاغلین بخش کشاورزی کاملاً قابل اثبات است. (قدیری و ممسنی، ۱۳۹۵، ۸۶)

نتایج حاصل از یک تحقیق دیگر نشان می‌دهد که استان بوشهر یکی از استان‌های محروم کشور است و محرومیت به‌طور کلی در سطح استان دیده می‌شود (زنگی‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۲، ۸) امتیاز بوشهر فقط ۰/۴۵۶ است. اگر به مقایسه جایگاه صنعتی بوشهر با سایر مراکز استان‌های ایران بپردازیم متوجه خواهیم شد که جایگاه آن از نرخ متوسط ملی کمتر و پایین‌تر است. نکته مهمی که یادآوری آن در این مجال ضرورت دارد اینکه در این مطالعه رتبه بندر بوشهر از لحاظ صنعتی مدنظر است و نه استان بوشهر با این حال باید به این موضوع هم توجه داشت که محرومیت استان بوشهر و توسعه‌نیافتگی مرکز آن در حالی اتفاق می‌افتد که استان بوشهر رتبه ششم در اقتصاد ملی و تولید ثروت برای کشور را به خود اختصاص داده است اما سهم آن همانا توسعه‌نیافتگی و محرومیت است.

ب: موانع بیرونی توسعه بوشهر:

در بخش قبلی به عوامل و موانع درونی توسعه بوشهر پرداختیم و اینک به بررسی فهرست‌وار عوامل مؤثر بیرونی خواهیم پرداخت.

۱- بحران‌های سیاسی و نظامی: بندر بوشهر و استان بوشهر در طی دو جنگ جهانی اول و دوم متحمل آسیب‌ها و خسارت‌های فراوان شدند. اقدام انگلیسی‌ها در اشغال بوشهر و نقض بی‌طرفی ایران در هر دو جنگ جهانی باعث ظهور شرایط نابسامان و متلاطم در این منطقه شد. پیامدهای اجتماعی و اقتصادی این شرایط که علل و عوامل آن خارج از ایران شکل گرفته بود آن‌چنان که بایسته است

موردتوجه مورخان و جامعه شناسان قرار نگرفته است. به‌طور مثال تشکیل پلیس جنوب ایران و پیامدهای آن یکی از قضایای مهم در این رابطه است، انگلیسی‌ها بهانه تشکیل پلیس جنوب ایران را نامنی و ناتوانی دولت ایران در برقراری نظم و امنیت قلمداد می‌کردند. دولت انگلیس در ۱۲ شوال ۱۳۲۸ قمری یادداشت شدیدالحنی برای دولت ایران ارسال کرد و در آن سه ماه فرصت داد تا دولت ایران به اعاده نظم و امنیت در راه بوشهر و شیراز بپردازد. (بریتانیا، ۱۳۶۲-۱۳۶۹، ۴: ۱۹۴۸) در بخش پیشین در این خصوص نکاتی مطرح شد و اینک از تکرار آن خودداری می‌کنیم ولی شناخت پیامدهای این دو جنگ جهانی در بوشهر از یکسو و تحولات اجتماعی ناحیه از سوی دیگر بسیار ضروری و لازم است. در این بخش ما به جنگ جهانی اول و دوم و پیامدهای آن در بوشهر به‌عنوان عوامل بیرونی نظر انداخته‌ایم.

۲- سیاست‌های دولت‌های ایران: منظور از دولت‌های ایران در این بخش همانا کابینه‌ها و هیات وزیران دوره پهلوی است که بعد از مشروطیت در ایران بر سرکار آمدند و به‌عنوان دولت مرکزی ایران و از تهران به اداره کشور و رتق وفتق امور آن پرداختند. یکی از موانع مهم بیرونی توسعه بوشهر، سیاست‌های دولت‌های مرکزی ایران بوده است. سیاست‌های پهلوی اول و کابینه‌هایی که در آن عهد بر سرکار آمدند در جهت تقویت خوزستان بود. اهمیت خوزستان از جهت وجود منابع و پالایشگاه و مرکز صادرات نفت از یکسو و اتصال راه‌آهن به بندرها خوزستان از سوی دیگر باعث تضعیف اقتصاد و اجتماع بوشهر شد. یکی از عوامل اساسی مؤثر در مهاجرت تجار از بوشهر در آن دوره جذابیت بندرها خوزستان بود. فقدان دسترسی بوشهر به شبکه راه‌آهن از نتایج سیاست‌های نامتوازن دولت‌های مرکزی ایران در توسعه خطوط ریلی بشمار می‌رود. عدم سرمایه‌گذاری صنعتی و اقتصادی دولت در بوشهر یکی دیگر از مواردی است که نقش دولت در عدم توسعه بوشهر را نشان می‌دهد. عدم سرمایه‌گذاری دولت در این خصوص تنها محدود به شهر بوشهر نمی‌گردد بلکه شامل تمام نواحی کرانه‌ای و پس‌کرانه‌ای خلیج‌فارس می‌شود. ارسنجانی وزیر کشاورزی ایران در عصر اصلاحات ارضی در طی یک سخنرانی در تهران ضمن اشاره به اوضاع نامساعد مناطق جنوبی و ساحلی کشور و ضرورت توجه دولت به آن چنین می‌گوید: کسانی که مدعی حقوق بشر هستند باید به جنوب ایران سفر کنند و ببینند مردم با چه سختی و مشقت زندگی می‌کنند. (کیهان، ۱۳۴۲، ۹) همین عامل بیرونی سبب شده که شهرها و بندرها ایرانی کرانه‌های خلیج‌فارس در زمره شهرهای درجه‌دو و سه مطرح باشند. آقای احمد خرم که مدتی نیز وزیر راه و ترابری ایران بعد از انقلاب اسلامی بوده در این خصوص می‌گوید: طرح آمایش سرزمین را در سال ۱۳۵۲ شرکت ستیران فرانسه انجام داد. افق آن ۲۵ ساله بود جمعیت ایران در سال ۱۳۷۸ را پنجاه

میلیون نفر پیش‌بینی کرده و قرار بود که بیست‌وپنج میلیون نفر در سواحل شمالی خلیج فارس مستقر شوند. (ایرنا. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران) درحالی‌که در حال حاضر مجموع جمعیت سه استان خوزستان، بوشهر و هرمزگان به هشت میلیون نفر نیز نمی‌رسد. در حال حاضر توزیع مناسب جمعیتی در مناطق جنوبی کشور به لحاظ عدم توزیع مناسب فعالیت در منطقه صورت نگرفته است، خصوصاً در استان بوشهر و هرمزگان از جذب جمعیتی مناسبی برخوردار نیستند (رجایی، ۱۳۹۴: ۹۱).

۳- فاصله زیاد از پایتخت کشور: یکی از موانع توسعه بوشهر و عدم توجه دولت پهلوی به بوشهر همانا دوری جغرافیایی از مرکز بوده است. بوشهر در حاشیه فلات ایران واقع شده و تهران در درون آن جای دارد. استان‌های بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، کرمان و کردستان از جمله استان‌هایی هستند که به علت دوری از مرکز، کمتر موردتوجه برنامه‌ریزان و مقامات تصمیم‌گیر، قرار گرفته‌اند. عدم توازن در رشد و توسعه مناطق و استان‌های ایران امری غیرقابل‌انکار است، این عدم‌توازن نتیجه عوامل متعددی است که یکی از آن‌ها همانا دورافتادگی جغرافیایی از مرکز کشور است. در سال ۱۳۴۲ وزارت کشور قانونی را تصویب کرد با این مضمون که: چون شهرستان‌ها و بندرها و جزایر جنوب ایران به علت دوری از مرکز تاکنون از برنامه‌های عمران و آبادی کشور آن‌طور که لازمه آن و مقتضای زمان و سیاست عمومی کشور بود استفاده ننموده و توجه به این مناطق از لحاظ عمران و آبادی و توسعه فرهنگ و بهداشت و بالا بردن سطح زندگی عمومی و رشد ملی وجهه همه دولت و از مسائل اساسی موردتوجه است. (پیک خجسته ۱۳۴۲/۱۰/۲۳)

۴- برخورداری و توسعه‌یافتگی استان‌های هم‌جوار: یکی از عوامل مهم ولی پنهان در عدم توسعه بوشهر که به‌عنوان یک متغیر بیرونی نقش مؤثری ایفا می‌کند همانا هم‌جواری استان بوشهر با استان‌های هم‌جوار همچون فارس و خوزستان و با یک واسطه استان اصفهان و تا حدودی استان هرمزگان است. برخورداری و میزان رشد و توسعه این استان‌ها یکی از دلایل مهاجرت مردم استان بوشهر و از جمله اهالی شهر بوشهر اعم از نخبگان اقتصادی، سیاسی، تجاری، علمی و فرهنگی و نیز سایر اقشار اجتماعی است. مهاجرت لایه‌های گوناگون اجتماعی از بوشهر به مناطق هم‌جوار در دو دهه اخیر افزایش یافته است. شیراز و اصفهان مقاصد اصلی بسیاری از این مهاجرین بوشهری هستند. یکی از دلایل عمده این جابجایی و مهاجرت‌های مستمر جمعیتی همانا برخورداری این کانون‌های جذب مهاجرین است. البته آب‌وهوا و شرایط اقلیمی نیز در این جابجایی‌ها بدون تأثیر نمی‌باشد ولی علت اصلی درواقع توسعه‌یافتگی، برخورداری و وجود دسترسی‌های بیشتر به انواع خدمات است. به‌طور مثال در سال‌های پس از پایان جنگ عراق علیه ایران و تأسیس منطقه آزاد تجاری در خرمشهر برخی از

تجار بوشهری به منظور برخورداری از تسهیلات و شرایط قانونی مساعد برای بازرگانی عازم خرمشهر شدند. میزان مناسب و درخور توجه تخفیف در تعرفه‌های گمرکی و افزایش سود بازرگانان از جمله عواملی بود که تجار برای رفتن به خرمشهر در این سال‌ها تشویق می‌کرد. همچنین بخشی از تجار به دلیل فرصت‌های بیشتر و بهتر عازم کانون‌های تجاری هرمزگان مثل جزیره کیش، قشم و شهر بندرعباس شدند.

شیراز و اصفهان و حتی تهران نیز به علل گوناگون و از جمله شرایط مناسب آب و هوایی، وجود طیف گسترده‌ای از امکانات و خدمات در دسترس مقصد برخی دیگر از اقشار اجتماعی شد و بدین ترتیب رشد و توسعه‌یافتگی استان‌های هم‌جوار به عامل خروج سرمایه‌های انسانی و اقتصادی بوشهر مبدل گشت. اگر یک پژوهش دقیق و جامع از لحاظ جامعه‌شناختی و اقتصادی صورت پذیرد نشان خواهد که جمعیت بوشهری‌های ساکن تهران و یا شیراز از کدام پایگاه و خاستگاه اجتماعی برخوردار بوده و چه نقشی در اقتصاد مراکز موردنظر داشته‌اند. برای نمونه این مطالعه احتمالی نشان خواهد داد چند درصد از املاک و ساختمان‌های مسکونی و تجاری شهر شیراز به مهاجران بوشهری اختصاص دارد. هر چند امروزه آمار دقیقی در دست نیست اما بر اساس حدسیات و شواهد میدانی می‌توان تخمین زد که از هر ده خانواده بوشهر چهار خانواده در شیراز صاحب املاک هستند. بهر صورت این پدیده نتایج منفی در اقتصاد و اجتماع بوشهر و از نظر این پژوهش یکی از موانع توسعه بوشهر بشمار می‌آید.

نتیجه

بوشهر از ابتدای بنیاد آن در عهد نادرشاه افشار که حتی بدین علت مدتی هم بندر مبارکه نادریه خوانده شد تا اواسط قرن سیزدهم قمری به‌عنوان بزرگ‌ترین بندر ایران در خلیج فارس و نیز دروازه ورود مدرنیته و مظاهر مدرنیسم به جنوب ایران مطرح بود. در نیمه دوم قرن بیستم بوشهر از توسعه بازماند و رفته‌رفته به شهری محروم مبدل گشت. علل و زمینه‌های توسعه‌نیافتگی بوشهر در هفتادسال گذشته از ماهیتی تاریخی برخوردار است. به سخن دیگر موانع توسعه بوشهر در طی یک‌روند تاریخی شکل گرفته و ظاهرشده‌اند و محصول یک برنامه و سیاست یک‌روزه نیستند. برای رفع محرومیت بوشهر و سوق دادن آن به سوی توسعه بایستی موانع موجود را شناخت و مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. این مقاله در پی تشریح و تبیین موانع موجود بر سر راه توسعه بوشهر از دیدگاه و منظر تاریخی است. بدیهی است که این پدیده یعنی موانع توسعه بوشهر پدیده‌ای چندوجهی است و می‌توان آن را از زوایای گوناگون مورد بررسی قرارداد. موانع توسعه بوشهر بر دودسته کلی قابل تقسیم هستند. الف: موانع بیرونی و ب:

موانع درونی. مراد از موانع درونی آن دسته از عوامل و زمینه‌هایی هستند که در درون شهر و استان باعث عقب‌ماندگی محرومیت شده و جامعه را از رسیدن به توسعه بازداشته است. منظور از عوامل بیرونی نیز آن دسته از علل و زمینه‌هایی است که از خارج استان بوشهر تحمیل شده و عملاً مانع توسعه شهر و استان بوشهر شده است. این تقسیم‌بندی بسیار مهم و کاربردی است.

در بین موانع تاریخی مهمی که بر سر راه توسعه بوشهر قرار دارد می‌توان به ضعف و انحطاط جامعه تجاری بوشهر اشاره نمود. چگونگی تضعیف و انحطاط جامعه تجاری بوشهر در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و تحلیل شد. تحولاتی که بعد از انقلاب مشروطیت رخداد و با بروز جنگ‌های اول و دوم جهانی تشدید شد از زمینه‌های مهم تضعیف جامعه تجاری بوشهر بود. در واقع شکوفایی بوشهر در دوران طلایی خویش مدیون حضور تجار و وجود جامعه تجاری قدرتمند آن بود و تنزل آن در نیمه دوم قرن بیستم نتیجه خروج و مهاجرت تجار از آن بود. گذر از دوران اوج بوشهر به دوران تنزل نتیجه همان تحولات سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی بود که در طی مقاله مفصلاً بدان پرداخته شده است. بر این اساس باید گفت یکی از عوامل توسعه‌نیافتگی بوشهر و عدم احیای جایگاه تاریخی آن همان تداوم ضعف و انحطاط جامعه تجاری بوشهر است؛ بنابراین احیای جامعه تجاری بوشهر رمز ترقی دوباره بوشهر و توسعه آن خواهد بود زیرا بوشهر بنا بر موقعیت جغرافیایی و اقلیمی خود بایستی بر مبنای اقتصاد دریایی و تجارت آزاد سازمان‌دهی شده و اداره گردد. ارکان اصلی اقتصاد بوشهر تجارت و دریانوردی است، دریانوردی شامل صیادی و دریانوردی تجاری می‌باشد. این هردو رکن باید احیاء شده و شرایط و کیفیت سنتی خارج گردد تا قادر به ایفای نقش تاریخی خود در اقتصاد بوشهر شود. احیای تجارت در بوشهر و احیای جامعه تجاری آن نویدبخش بازگشت دوران طلایی و درخشان این بندر تاریخی بشمار می‌رود. با توجه به رشد و پیشرفت فناوری‌ها و رشد شاخص‌های عمومی انتظار می‌رود که سرمایه‌گذاری‌ها در بوشهر دارای جهت و هدف باشد و این هدف وجهت جز احیا جایگاه درخشان بوشهر با توجه به ملاحظات امروزی و ضروری نمی‌تواند باشد.

منابع

- آمارتپاسن، توسعه یعنی آزادی ترجمه محمد سعید نوری نایینی تهران نشر نی ۱۳۸۳
- آمارتپاسن، مفهوم توسعه ترجمه علی گودرزی مجله راهبرد توسعه شماره ۱۲ سال ۱۳۸۶
- احمدی پور، زهرا و دیگران، نقش جغرافیایی قدرت و حمایت در شکل‌گیری مرزهای جدید تقسیماتی پس از انقلاب اسلامی. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۶
- اسدپور، حمید، تاریخ شبانکاره انتشارات دانشگاه خلیج فارس ۱۳۹۵ بوشهر.
- اسدپور، حمید، تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عهد افشاریه و زندیه. تهران نگارستان اندیشه ۱۳۹۷.
- اسلام دوست، علیرضا، نقش پایگاه هوایی ششم شکاری بوشهر. رساله کارشناسی ارشد دانشگاه خلیج فارس ۱۳۹۴
- بحرینی، فروغ، معین‌التجار بوشهری. نشریه اسناد بهارستان ۱۳۹۴
- برازجانی، سیامک، تاریخ شفاهی بازار بوشهر نشر پاتیزه بوشهر ۱۳۹۷
- برومند، صفورا، سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر. انتشارات وزارت امور خارجه ۱۳۸۱
- باتامور، بی. تی، جامعه‌شناسی ترجمه حسن حسینی تهران ۱۳۵۷
- تقوایی زحمتکش، شیوا، اقتصاد بندر بوشهر و بندرعباس در دوره پهلوی اول. کارشناسی ارشد دانشگاه تهران ۱۳۹۳
- تقی زاده، حسن، زندگی توفانی. تهران ۱۳۶۸
- کبابی‌سدیدالسلطنه، محمدعلی، پیرامون سرزمین‌های شمالی خلیج فارس در صدسال گذشته. تهران ۱۳۷۱
- کرم پور، محمد، زیراه، حوزه هنری بوشهر ۱۳۹۳
- کنین، عبدالحسین. جغرافیای طبیعی و انسانی بوشهر تهران نشر طلوع ۱۳۸۸
- دشتی، احمد، نقش تجار بوشهر در مدرسه سعادت. نشر همسایه ۱۳۸۷
- دشتی، رضا. تاریخ سیاسی و اجتماعی بوشهر تهران ۱۳۸۰
- فلور، ویلم. ظهور و سقوط بوشهر ترجمه حسن زنگنه. طلوع دانش تهران ۱۳۷۸
- فراشبندی، علی مراد. جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری. تهران ۱۳۶۵
- فارسانی ترابی، سهیلا. تجار مشروطیت و دولت مدرن. تهران ۱۳۸۴
- پدیدار، مجتبی، اسنادی از اتاق بازرگانی بوشهر. بوشهر ۱۳۹۳
- قدیری، محمود و دیگران. تحلیل تطبیقی شاخص‌های توسعه پایدار در بوشهر با مناطق کشور. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی ۱۳۹۳
- لکه‌هات، لارنس. نادرشاه. تهران ۱۳۵۷

- مشایخی، عبدالکریم، مشروطیت در بوشهر نشریه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۱۳۷۸
- مظفری زاده، علیرضا، تاریخ خاندان آل مذکور. بوشهر ۱۳۹۵
- رجایی، عباس. تحلیل فضایی فرایندهای شهرنشینی در منطقه جنوبی کشور. مجموعه مقالات همایش ملی عسلویه ۱۳۹۴
- طالبان، محمدرضا. معضل تعریف توسعه. نشریه روش‌شناسی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷
- سعادت، محمدحسین. تاریخ بوشهر. نشر کازرونیه ۱۳۹۰
- سرابی، محمدحسین و دیگران. ارزیابی توسعه پایدار اجتماعی بوشهر از منظر عوامل اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی ۱۳۸۹.
- وثوقی، محمدباقر. تاریخ خلیج فارس و ممالک هم‌جوار. سمت تهران ۱۳۸۴.
- ملایی، مریم. در باب چیستی توسعه. نشریه راهبرد توسعه. شماره ۴۸ ۱۳۹۵.
- مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من. تهران نشر زوار ۱۳۷۱.
- مسنی، سوگل و دیگران. تحلیل تطبیقی شاخص‌های توسعه پایدار بوشهر. فصلنامه علمی و پژوهشی جغرافیایی ۱۳۹۵.
- موحد، جمیل. بستک و جهانگیریه. انتشارات بال کبوتران تهران ۱۳۸۴.
- معزی، فاطمه. جواد بوشهری. موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- شاهرخ مقدم، پروانه. مهاجرت تجارت ده دشتی به بوشهر. رساله کارشناسی ارشد دانشگاه خلیج فارس ۱۳۹۱.
- موریس، یزارد. مأموریت در بندر بوشهر. ترجمه ضیا مصلح ۱۳۸۴.
- کامرون، جورج. ایران در سپیده‌دم تاریخ. ترجمه حسن انوشه ۱۳۶۵.
- نظام مافی، خدیجه. حکومت بوشهر. ۲ جلد تهران ۱۳۹۱.
- نعمتی، نورالدین. تأثیر سیاست‌های اقتصادی پهلوی اول بر اقتصاد بوشهر. مجله پژوهش‌های ایران‌شناسی ۱۳۹۳.
- زنگی‌آبادی، علی و دیگران. تحلیل فضایی توسعه منطقه‌ای در استان بوشهر. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای ۱۳۹۲.
- هاشم‌پور، ظهراب. آرامنه در بوشهر. حوزه هنری ۱۳۹۵.
- عیسوی، چارلز. تاریخ اقتصادی ایران ترجمه یعقوب آژند ۱۳۶۹.
- پولاک، یاکوب. سفرنامه پولاک. ترجمه کیکاووس جهان‌داری تهران ۱۳۶۸.
- سفیری، فلوریدا، پلیس جنوب ایران. ترجمه منصوره اتحادیه. تهران نشر تاریخ ایران.
- یاحسینی، سید قاسم، خاطرات ماشالله کازرونی. ۱۳۸۸. تهران سوره مهر.

